بدون عنوان

شماره پرسش: ۴۰۲۵۳

تاریخ ارسال پرسش: ۱۴۰۴/۴/۸ ۱۲:۴۳:۱۲

متن پرسش

سلام: در رابطه به پرسش ۴۰۲۴۸ با اینکه بنده صلاحیت سخن گفتن ندارم، اما به عنوان کسی که از بدو تولد در انتظار همهٔ انسانیت بودم و هر نوع زخمی را که حتی تصورش را نمی‌کنید - بی‌رحمانه چشیدم (و نتایجش را دنبال کردم و زیباییش مثال زدنی نیست)- به خواهر عزیزم و هر انسان زیبایی که حقش زندگی‌ای بزرگ است می‌نویسم: سلام! شما تنها نیستید. در سال‌های دراز و زهری که مردم در خواب بودند و با شادی و سماجت به روند نابودی خود در نظام ظالم جهانی ادامه می‌دادند، و گفتارها، عمل ها، اندیشه ها، اراده هایشان نه فقط به خود که به دیگران آسیب می‌زد، افرادی بیدار بودند تا راه خود و در نتیجه راه شما عزیزان را باز کنند؛ هرچند همهٔ مردم دنیا با نادانی در مقابل آن‌ها ایستادند و تحریم‌ها آن‌قدر شدید شد که در زندانی غریب محبوس شدند. هرچند در ظلمت شبانه‌روز، شیطان در گوش مردم زمزمه می‌کرد: «برو و حتی با کوچک‌ترین حرکتی زخمی بر آنان بزن تا راهشان بسته بماند.» آنان تمام مظلومیت‌ها، تمام سنگ‌ها و شمشیرهای شیطان بزرگ و تمام تحریم‌ها را تحمل کردند تا جایی که یک به یک شهید و فنا شدند، اما امیدی را دنبال می‌کردند که خداوند به آنان نویدش را داده بود: امید به آزادی، انسانیت، زندگی کامل و یاری خداوند و حضورش در میان بشریت، و به آن رسیدند. آری عزیزان! ما تنها نیستیم و بار داریم. امروز خود خداوند در جلال و جمال کاملِ حقیقتِ «الله» حاضر است بوجود حضور اهل بیت. اگر به من بگویند: «نگو اهل بیت ظهور کرده‌اند»، می‌گویم: «آنچه عیان است، پنهان کردنش ممکن نیست.» زندگی در جهان بی‌نهایت معصومین یعنی زندگی در زندگی حق مطلق. ای فرزندان آدم! جهان به همه‌آنچه از خودمان انتظار داریم، رسیده. بنده هرگز صلاحیت سخن گفتن نداشتم، اما از اشتیاق به زندگی و سعود کمال شما و درک دردهای مشترکمان، این را گفتم. در این روزهای زیبا که گام به گام به سوی کمال پیش می‌روید، یاد بزرگانمان را زنده نگه دارید. مثلاً کودکان شهید غزه بزرگانند؛ آنان بر گردن همهٔ ما حق بزرگی دارند آنها خون پاک خدا هستند. در این کلمات که از من هم نیست فقط فکر لازم نیست، دل دادن همه چیز را منور می‌نمایاند. خداوند حافظتان باشد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به این نکته باید فکر کرد که انسانِ آخرالزمانی چگونه می‌تواند در بستر هستی خود که «عین اتصال به خالق هستی است»، اندیشه‌های تازه که مطابق روح نهایی‌ترین انسان است، بیافریند، به جای مشغول‌شدن به باورهای ساده‌ای که جوابگوی نهایی‌ترین طلب انسان این

دوران نیست. با توجه به این نکته باید متوجه بود؛ انسانِ آخرالزمانی، انسانی است که از سیطره اندیشه‌های معمولی که امکان تردید در آن‌ها هست، رهایی یافته تا با اصل‌ترین اصل‌ها روبه‌رو شود که آن مواجهه با انسانیت انسان‌های کامل است، انسانیتی که بالاتر از آن ممکن نیست و این یعنی انسانیت اولیای الهی در نمادهایی همچون علی «علیه‌السلام» و سیدالشهداء «علیه‌السلام» و دیگر ائمه «علیهم‌السلام»، و لازمهٔ چنان حضوری اولاً: عبور از خیالاتی است که در آن خیالات، توهّماتِ ساختهٔ ذهن پنهان است و ثانیاً: حضور در معارفی است که مانع می‌شود تا انسان در گرداب نومیدی و انکار حقایق فرو غلتد. حضوری که این روزها می‌توان در حرکت مقابله با رژیم صهیونی و استکبار آمریکایی آن را تجربه کرد و از آن به بعد با آن حضور و با تاریخی که در این رابطه در مقابل ما گشوده می‌شود می‌توان زندگی خود را معنا بخشید زیرا در این حضور است که به یگانگی بین «زندگی» و «مقاومت» رسیده‌ایم. موفق باشید